

# بایسته های آموزشی در حوزه کلامی

هادی صادقی

برای روشن شدن برنامه آموزش کلام در حوزه، ابتدا باید انتظارات خود را از علم کلام مشخص کنیم و بگوییم چه وظایفی را بر دوش متکلمان می گذاریم و ضرورت وجود رشته کلام، بلکه حوزه کلامی، چیست. اما این مطلبی است که در اینجا نمی توانیم به تفصیل بدان پردازیم؛ به ناچار به اشاره هایی کوتاه بسنده کرده، تفصیل بیشتر را به مجالی دیگر وامی نهیم.

به محض این که از ضرورت علم کلام سخن به میان می آید، ذهن متوجه وجود شبهاتی می شود که معارف دینی را مورد هجوم قرار داده اند. این امر چندان هم بی دلیل نیست؛ گذشته علم کلام شاهد صادقی است بر این مدعا که به ظن قوی منشأ پیدایش این علم، مبارزه های فکری گروه های متخاصم در جامعه اسلامی - پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) - علیه یکدیگر بوده است. در چنین حالتی هر یک از طرفین ناچار می شده که از تفکر و نوع برداشت خود از دین دفاع کند. بتدریج اشخاصی در جهان اسلام پیدا شدند که در دفاع از عقاید خود تخصص یافتند و بعدها به یکی از دلایل ذیل مانند این که ایشان درباره کلام خدا یعنی قرآن و یا در مورد مسائل اعتقادی بحث می کردند - که خود آن بحثها از جنس کلام بودند -، یا به دلیل این که متکلمان سخن خود را با عبارت «کلام فی ...» آغاز می کردند و ...، نام این دسته افراد را متکلم و نام علم آنها را کلام گذاشتند.

اما مدافعه گری تنها یکی از وظایف متکلم است، گرچه شاید مهمترین و آخرین آنها نیز باشد. درست است که نیاز به علم کلام زمانی احساس می شود که کیان معارف دین و مذهب در معرض تهاجم قرار گیرد، چنان که در عصر حاضر دقیقاً همین مساله رخ داده است، اما استخراج،



تبویب، تحلیل مفهومی و تبیین عقلانی معارف دین نیز جزء وظایف اصلی متکلمان است. اگر قرار است که حوزه ما کلامی باشد، که باید باشد، پس باید نسبت به گسترش کمی و کیفی علم کلام و مقدمات لازم برای آن توجه جدی داشت. البته این حقیقت تلخی است که کلام در حوزه اهل بیت فراموش و منسوخ شده است؛ «در حالی که امروز بیشترین تهاجم از سمت مباحث کلامی است.»<sup>۱</sup> اما باید در نظر داشت که دست یافتن به حوزه کلامی امر محالی نیست و بحمدالله برخی از مقدمات کار جهت حرکت به سمت این هدف آماده شده است، یکی از اساسی ترین پیش نیازهای این امر، دستیابی به نظام آموزشی بهینه در حوزه است. در چنین نظامی اهداف اصلی آموزشهای کلامی را می توان در سه محور زیر خلاصه کرد:

۱. تربیت فضایی که با ورود به قلمرو دانشهایی جدید مرتبط با حوزه دین پژوهی، و شناخت نقاط حساس و نحوه تأثیر و تأثر این دو حوزه، بتوانند راههای تازه ای برای تبیین و تفسیر و تبلیغ دین بیابند و از کیان معتقدات دینی، عالمانه دفاع کند. امروز که موجهای هائل برخاسته از فلسفه، جامعه شناسی، روان شناسی، معرفت شناسی، منطق، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فرهنگ سکولار غرب، اومانیسم، مکتبهای جدید تفسیری-هرمنوتیک- و ... از همه طرف بسوی ساحل امن و صخره های مستحکم باورهای دینی هجوم آورده اند، بر عالمان دین است که با شناخت این دانشها و شیوه عملشان، از آنها بهره جسته، آثار تخریبی آنها را بازشناسند و درمان کنند.

دانشهای جدید به دو گونه می توانند با باورهای دینی عمل کنند؛ تخریب و تهذیب، در این میان متکلمان می توانند با هوشیاری و چشمان باز به آن حوزه ها وارد شوند و با استحکام بخشیدن به صخره های ساحل نجات و آرامش معارف و ایمان دینی و پوشاندن رخنه ها و لغزشگاههای محتمل، از آن امواج پرفشار در جهت صیقل دادن به معارف دین و زدودن اعوجاجات و ناراستیهای عارضی از آن استفاده کنند و محکمات معارف دین را، بن مایه تفسیر متشابهات آن، و نصوص و ظواهر دانشهای دینی را قرینه تبیین محملات آن قرار دهند.

اگر حوزه های علمیه تاخیر کنند و سرعت به فکر درمان و دفاع برنیابند، هرآینه آن امواج خروشان، که همه چیز را این جهانی می خواهد، پایه های اعتقاد به ماورای طبیعت را سست خواهد کرد. این جریان، همه چیز را از سیاست و اقتصاد و مدیریت گرفته تا حقوق و قوانین مدنی و ... را غیر دینی (سکولار) می پسندد و نه تنها کلام، که اخلاق و فقه نیز در معرض هجوم



سیل آسای آن قرار دارند و آنچه بر جای می ماند فقهی است کاملاً فردی که تنها به کار عبادات خلوتخانه افراد می آید و بس؛ عرفانی است بریده از اجتماع و اعتقاداتی است غیر عقلانی شده و صرفاً مبتنی بر پایه های احساس.

بخشی از این آموزشها می تواند در رشته ای به نام «کلام بین الایمان والکفر» یا «کلام جدید» تدوین گردد.

۲. تربیت متخصصانی که با اطلاع از دیگر ادیان جهان، توانایی شرکت فعال و تاثیرگذار در مباحثات میان ادیان را داشته باشند. علاوه بر این، شناخت ادیان زنده جهان - بویژه ادیان ابراهیمی - به عالم دین شناس قدرت و وسعت نظر در شناخت عمیقتر دین خودش را نیز می دهد. همچنین در فهم پاره ای از متون کتاب و سنت، آنجا که به ادیان دیگر می پردازد، آگاهی و اطلاع از موضوع و زمینه بحث، قرینه خوبی برای فهم و تفسیر نزدیک به صواب است. کشف راههای مشترک برای مقابله با حملات تمدن مادی جدید نیز از اهداف دیگری است که بر آموزشهای کلامی - گونه دوم - مترتب می شود. اطلاع از نحوه دفاع متکلمان دیگر ادیان از معتقدات دینی، این امکان را در اختیار دین شناس می گذارد. تا از تجربه های دیگران بهره گیرد و همواره بهترین شیوه را برای دفاع انتخاب کند.

بنابراین ضروری می نماید که در حوزه کلامی، رشته ای وجود داشته باشد به نام «کلام بین الادیان» - یا «ادیان» - تا هدف مزبور را جامه عمل بپوشاند.

۳. پرورش دانشمندانی که فرق و مذاهب اسلامی را بشناسند و تمام ابزار و مقدمات لازم برای دفاع از حقانیت مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را در مقابل فرقه های دیگر در اختیار داشته باشند. آگاهی از مشترکات و رسیدن به آرمان وحدت مسلمانان نیازمند اطلاع از آرا و افکار مختلف در حوزه فرهنگ اسلام است. تنها پس از شناخت صحیح و متقابل مذاهب اسلامی از یکدیگر است که می توان امید داشت که آن آرمان بزرگ روزی جامه عمل بپوشاند. همچنین طرد فرقه های مبتدع و ضالّه و مبارزه با عقاید انحرافی آنها نیازمند دانشوران پرمایه و آگاه از فنون بحث و جدال احسن است.

بدین ترتیب تأسیس سومین رشته کلامی به نام «کلام بین المذاهب» - «فرق و مذاهب اسلامی» - ضرورت می یابد.

البته با توجه به تنوع و تعدد مکتبهای غیر دینی، و نیز ادیان و فرقه های اسلامی، مناسب بود



که هر کدام از این سه رشته نیز به شاخه های فرعی تری تقسیم شوند. اما به نظر می رسد که شروع کار با همین سه رشته (۱- کلام بین الایمان و الکفر؛ ۲- کلام بین الادیان؛ ۳- کلام بین المذاهب) مطلوبتر است. پس از طی چند دوره آموزشی می توان بتدریج، با فراهم شدن امکانات بیشتر، گرایشهای مختلف را به وجود آورد و رشته های کلامی را افزایش داد.

### نیم نگاهی به آموزش کلام در حوزه

تا شش-هفت سال پیش علم کلام در حوزه تقریباً فراموش شده و منسوخ بود. از آن پس حرکتهایی در زمینه آموزشهای کلامی آغاز گردید. در حوزه علمیه قم رشته تخصصی کلام تأسیس شد و زیر نظر یکی از استادان برجسته حوزه علمیه آغاز به کار کرد. علی رغم انتظاراتی که می رفت، این رشته در طول این مدت نتوانست جایگاه واقعی خویش را پیدا کند. یکی از دلایل آن، نوع نگرش برنامه ریزان شورای مدیریت حوزه بود که، جایگاه این رشته را در جنب فقه و اصول قرار دادند و تقریباً یک سوم حجم برنامه تخصصی رشته کلام را به دروسهای فقه و اصول اختصاص دادند. این در حالی است که پیش شرط ورود به این رشته، گذراندن دوره عالی سطح فقه و اصول و حتی دو سال شرکت در درس خارج بود. دلایل دیگری هم وجود دارد که از جمله می توان به مسأله اعتبارات حوزوی و اجتماعی اشاره کرد. آیت الله جعفر سبحانی در این باره بحق می گوید: «در حوزه به فقه و اصول بها داده می شود، اما اگر کسی متکلم یا فیلسوف شد، به او بها داده نمی شود. مادامی که فقط فقه و اصول جنبه رسمی دارد و مورد اعتنای تام است و به علوم دیگر بهای لازم داده نمی شود در طلاب انگیزه برای فراگیری این علوم ایجاد نمی شود.»<sup>۲۴</sup>

از این که بگذریم برنامه تدوین شده جهت رشته تخصصی کلام نیز قابل تأمل است. در این برنامه حدود یک هزار و پانصد ساعت آموزش در نظر گرفته شده که طی یک دوره چهار ساله اجرا می گردد. از این تعداد حدود پانصد ساعت آن به فقه و اصول اختصاص دارد و دو سوم بقیه به کلام. در ذیل مواد درسی رشته تخصصی کلام را به نقل از نشریه پیام حوزه، شماره ۴، زمستان ۷۳، می آوریم:



تعداد واحد	ماده درسی	رتبه
۳۵	مسائل جدید کلامی	۸
۳	مسائل رایج کلامی	۹
۳	اصول و قواعد کلامی	۱۰
۲	مکتبها و فرقه های کلامی در اسلام	۱۱
۳	مکتبها و فرقه های غیر اسلامی	۱۲
۲۲	فلسفه	۱۳
۵	الهیات در قرآن و حدیث	۱۴

تعداد واحد	ماده درسی	رتبه
۳	منطق	۱
۳	معرفت شناسی	۲
۱	مدخل علم کلام	۳
۲	تاریخ و تطور علم کلام	۴
۱	روش تحقیق و نگارش	۵
۳	کلام مختصر	۶
۸	کلام مبسوط	۷

با توجه به منابع و سرفصلهایی که برای هر یک از این دروس تعیین شده است<sup>۲</sup> می توان گفت که گرایش اصلی و غالب این برنامه، به سوی کلام سنتی است. از مکتبهای جدید فلسفی و کلامی، منطق جدید و فلسفه منطق، فلسفه اخلاق، معرفت شناسی جدید، جامعه شناسی دین، روان شناسی دین، پدیدار شناسی، فلسفه ذهن، تاریخ فلسفه، فلسفه علم و... در این برنامه خبری نیست.

برای مثال در سرفصلهای درس منطق، آمده است: (۱) انواع استدلال مباحثی؛ (۲) انواع استدلال غیر مباحثی (۳) صناعات خمس<sup>۴</sup>. در حالی که مسائل منطقی در زمینه های نحو زبان منطق، معناشناسی و فلسفه منطق بسیار گسترده و اساس است. درباره مسائل جدید علم کلام می گوید: «اخیراً برخی از دانشمندان غربی در زمینه عقاید دینی اشکالها و شبهه هایی مطرح کرده اند...»<sup>۵</sup> در حالی که صدها سال از عمر این اشکالها و شبهه ها می گذرد و غرب اکنون راه بازگشت به معنویت را می پیماید و نهضتها و مکتبهای دینی بزرگی به راه افتاده است. درباره معرفت شناسی می گوید: «ریشه مسائل کلام جدید همین معرفتهای روز است که سرچشمه آن نظریه المعرفة است... لذا ما تمام مباحث مربوط به شناخت اسلامی را استخراج کردیم، چه از کتب کلامی و فلسفی، چه کتب کلامی دیرینه، و به عنوان کتابی مستقل... جزء مواد درسی قرار دادیم. هر نوع رخنه ای که به مسائل دینی از طریق معرفت شناسی وارد شود، کسی که این کتاب را بخواند و خودش هم اهل فهم و ذوق و درک باشد، می تواند به شبهات پاسخ گوید...» با توجه به



مسائل شناخت که در غرب مطرح است، مسائلی که در فلسفه اسلامی مطرح است توانستیم کتابی جامع تدوین کنیم...<sup>۶</sup> تا آنجا که بنده اطلاع دارم هنوز حتی یک کتاب مستقل نسبتاً جامع در زمینه معرفت‌شناسی در زبان فارسی تدوین یا ترجمه نشده است.

پرواضح است که حل مسائل فلسفی و معرفت‌شناختی متوقف بر شناخت اندیشه‌های جدید است. از طرف دیگر اگر قرار باشد رشته تخصصی کلام، جامع آموزشهای کلامی با تمام گرایشهایش باشد باید حجم برنامه آن سه برابر گردد تا این که بتواند شامل «کلام بین‌الادیان» و «کلام بین‌المذاهب» نیز بشود. شناخت تاریخ و عقاید ادیان زنده جهان و مذاهب و مکاتب فکری مهم در پنج واحد درسی حاصل نمی‌آید؛ این مقدار درس در این موضوعات برای دوره‌های عمومی الهیات و معارف اسلامی مناسبتر است تا دوره تخصصی کلام.

از نکات مثبت این برنامه نیز یکی توجه به امر تدریج در آموزش است. مدخل علم کلام، کلام مختصر، کلام مبسوط و... و دیگری، ماده درسی الهیات در قرآن و حدیث می‌باشد. موسسات دیگری هم در حوزه وجود دارند که به کار کلام می‌پردازند. برای نمونه می‌توان به دارالشفاء و موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) اشاره کرد. اما به دلیل این که برنامه‌های آنها به افراد محدود و ویژه‌ای اختصاص می‌یابد و فراگیر نیست، به آنها نمی‌پردازیم.



## مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

### برنامه رشته کلام

برای تأسیس سه رشته: ۱) کلام بین‌الایمان و الکفر؛ ۲) کلام بین‌الادیان و ۳) کلام بین‌المذاهب، اولین قدم داشتن برنامه آموزشی است. در کلام بین‌الادیان و کلام بین‌المذاهب مشکل کمتری وجود دارد؛ زیرا این رشته‌ها یا چیزی نزدیک به آن در دانشگاه‌ها و یا حوزه‌های علمیه به‌طور منظم یا پراکنده وجود داشته است. بنابراین براحتی می‌توان برنامه‌ای مناسب برای آنها تدوین کرد. اما در کلام بین‌الایمان و الکفر که از تازگی بیشتر و حساسیت افزونتری برخوردار است کار کمی مشکلتر است. به همین دلیل نگارنده بر آن است که حاصل تجربه‌هایی را که در چند سال اخیر از محضر استادان گرانقدر آموخته است در قالب برنامه‌ای منظم، متناسب با شش تا هشت نیمسال - سه تا چهار سال - تحصیلی، را جهت رشته کلام بین‌الایمان و الکفر عرضه کند. (در اینجا از ذکر جزئیات، سرفصلها، منابع درسی و پیشنهادها دروس - مثلاً زبان عمومی، منطق سنتی، فلسفه، عقاید... - خودداری می‌شود و در صورت نیاز به مسؤولان امر تقدیم

می گردد):

الف) دروسهای عمومی:

تعداد واحد	مواد درسی	رتبه
۶	زبان تخصصی	۱
۸	تاریخ ادیان	۲
۳	تاریخ فلسفه اسلامی	۳
۲	تاریخ عرفان	۴
۲	تاریخ علم کلام	۵
۲	تاریخ سکولاریسم	۶
۳	تاریخ فلسفه غرب (از دکارت به بعد)	۷
۲	تاریخ فرق و مذاهب اسلامی	۸
۲۸	جمع	

ب) دروسهای پایه (مبانی منطقی، فلسفی و معرفت شناختی):

تعداد واحد	مواد درسی	رتبه
۴	منطق جدید (نحو، معناشناسی، فلسفه منطقی)	۹
۳	معرفت شناسی	۱۰
۴	فلسفه جدید غرب (پوزیتیویسم، اگزیستانسیالیسم)	۱۱
۶	فلسفه اسلامی	۱۲
۲	عرفان اسلامی	۱۳
۲	فلسفه علم	۱۴
۳	فلسفه اخلاق	۱۵
۲	فلسفه ذهن	۱۶
۲۶	جمع	



### ج) دروسهای اصلی:

تعداد واحد	مواد درسی	رتبه
۱۲	فلسفه دین	۱۷
۱۲	کلام (جدید و قدیم)	۱۸
۲	جامعه شناسی دین	۱۹
۲	روان شناسی دین	۲۰
۲	پدیدارشناسی دین	۲۱
۴	دین شناسی مقایسه ای	۲۲
۳۴	جمع	

در بیان ضرورت این مواد درسی به اختصار می توان گفت که دروسهای فلسفه دین و کلام کانونی ترین مواد درسی در رشته کلام بین الایمان و الکفر، و محور اساسی بحثهاست، بطوری که می توان گفت سایر مواد درسی، اعم از اصلی، پایه و عمومی بنحوی در ارتباط با این دو درس قرار می گیرند. مثلاً نتایج بحثهای جامعه شناسی دین، روان شناسی دین و پدیدارشناسی دین هر کدام از یک بعد در فلسفه دین و کلام ظاهر می شود و رویکرد خاصی را برمی انگیزد. دین شناسی مقایسه ای نیز به فهم بهتر مدعیات کلامی همراه با ابعاد جدیدتری از مسائل اعتقادی می انجامد. از طرفی، یافتن راه حلهای مشترک میان ادیان در معارضه با الحاد می تواند نتیجه مورد انتظار این بحث باشد.

از میان دروسهای پایه، نقش منطبق و معرفت شناسی از همه واضعتر است. زیرا در هیچ یک از شاخه های علوم عقلی بی نیاز از منطق نیستیم. همچنین برای به دست آوردن ارزش معرفتی قضایای علوم و نتایج استدلالهای آنها به معرفت شناسی حاجت می افتد. فلسفه علم نیز در برخی جهات همچون معرفت شناسی لازم است، خصوصاً که نظریه های برخی نحله های فلسفی پیوند وثیقی با مباحث فلسفه علم دارد و آثار و نتایج نظریه های فلسفه علم در فلسفه دین بسرعت نمایان می شود.

لزوم پرداختن به فلسفه های جدید غرب از گرایشهای تحلیلی-تحلیل زبانی و تحلیل منطقی- تا رویکردهای اگزیستانسیالیستی- الهی و الحادی- نیز با توجه به نقش آنها در عرضه مبانی الهیات و بعضاً موضع گیری الهیاتی خاصشان، کاملاً آشکار است. فلسفه و عرفان اسلامی نیز همین کارکرد را دارند. بلکه





می توان فلسفه اسلامی را از جهتی نوعی کلام به حساب آورد و در متن اصلی کار قرار داد.

پیوند پاره ای از مباحث فلسفه دین و کلام جدید با فلسفه ذهن و فلسفه اخلاق نیز بر اهل فن پوشیده نیست. از میان درسهای عمومی نقش زبان تخصصی - همچنین زبان عمومی - نقشی اهراری است که بدون آن نمی توان از آخرین دستاوردهای فلسفی و کلامی جدید آگاه شد و همواره نوعی تأخیر فرهنگی - در این زمینه - خواهیم داشت. مضافاً به این که در صورت سرعت گرفتن کار ترجمه و انتقال سریع اندیشه های جدید نیز اعتمادی بر ترجمه ها نیست. البته ترجمه ها را می توان پلی برای بازیافت سریعتر متن اصلی به حساب آورد، اما جایگزین آن نمی شود. بقیه درسهای عمومی در دو بخش تاریخ تفکر الهی شامل: تاریخ ادیان، تاریخ فلسفه اسلامی، تاریخ عرفان، تاریخ علم کلام و تاریخ فرق و مذاهب اسلامی، و تاریخ تفکر الحادی شامل: تاریخ سکولاریسم و تاریخ فلسفه جدید غرب خلاصه می شوند و پرواضح است که آشنایی با تاریخ هر اندیشه ای، همراه با اندیشه مقابل آن، کمک مؤثری در شناخت آن اندیشه می کند.

البته جا داشت که با ذکر نمونه ها و موارد تأثیر گذاری این مواد در حوزه کلام و فلسفه دین، ضرورت هر یک از آنها را بنحو مبسوطتری بیان کنیم. اما به دلیل ضیق مجال و این که اغلب خوانندگان این نشریه، خود از اهل دانش و پژوهشند و از دور یا نزدیک دستی بر آتش علم کلام دارند و این که غرض، صرفاً طرح یک نظر بوده نه اثبات آن، تفصیل مطلب را به مسؤولان برنامه ریزی حوزه کلامی وامی گذاریم و عنداللزوم حاضر به دفاع از طرح مذکور نیز هستیم.

پی نوشتها

۱. مقام معظم رهبری، منشور ولایت، قم: روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴،

ص ۲۶ و ۲۷.

۲. پیام حوزه، شماره ۸، زمستان ۱۳۷۴، ص ۵۷.

۳. ر.ک: پیام حوزه، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۳، ص.

۴. همان.

۵. همان.

۶. پیام حوزه، شماره ۱، بهار ۱۳۷۳، ص.

